

کوچه پس کوچه‌های روزمرگی

سید محمد بهشتی

یادداشت‌های کوتاه؛ دفتر دوم

سرشناسه	: بهشتی، سیدمحمد ۱۳۳۰-
عنوان و نام پدیدآور	: کوچه پس کوچه‌های روزمرگی / سیدمحمد بهشتی شیرازی.
مشخصات نشر	: تهران روزنه، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۳۶۶ ص.
فروست	: یادداشت‌های کوتاه: دفتر دوم.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۸۳۹-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	: فنیبا
موضوع	: بهشتی، سیدمحمد، ۱۳۳۰ -- یادداشت‌ها، طرح‌ها و غیره
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ک۹۵۱۷هـ / PIR ۸۳۳۵
رده‌بندی دیویی	: ۸۶۸/۸۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۸۶۴۱۶۸



کوچه پس کوچه‌های روزمرگی

سید محمد بهشتی

طرح جلد: نازنین کهن

چاپ اول: ۱۳۹۷

قیمت: ۳۹۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: پاسارگاد

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی، پلاک ۲۰۲، واحد ۲، انتشارات روزنه

☎ تلفن: ۸۸۸۵۳۷۳۰ - ۸۸۸۵۳۶۳۱ ☎ نمابر: ۸۶۰۳۲۳۵۹

🌐 سایت: www.rowzanehnashr.com

📧 telegram.me/rowzanehnashr 📷 rowzanehnashr

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۸۳۹-۷ ISBN: 978-964-334-839-7

☀ تمام حقوق برای ناشر محفوظ است ☀

فهرست

۹	 دیباجه
۱۳	 پرندگان در آسمان فرهنگی ایران
۲۱	 در آیین آیین محرم
۲۱	 مکتب قلب‌شناسی
۳۱	 یزد؛ در انتظار بهار درخت خیال
۳۷	 امیرکبیر، میرزا تقی خان است یا میرزا تقی خان، امیرکبیر؟
۴۱	 نامه‌ای از داریوش هخامنشی خطاب به ما!
۴۷	 در باب معماری دست‌کند
۵۷	 لباس ایرانی

- بزرنگاه‌بی ارادگی ناصرالدین شاه ۶۹
- در گوشه ذهن هر ایرانی باغی نهفته است ۷۷
- کوچ: سرودن حماسه زندگی ۸۳
- ایرج افشارها ۹۳
- آرزوهایی بافته شده در هیأت گلیم ۹۷
- پیرادنت کهنسال مقدس است؟ ۱۰۳
- مهره ایرانی ۱۰۹
- دربارهٔ اس کیاسمی ۱۲۱
- ایلغار مغول ۱۲۷
- صف سلام سرای ۱۳۳
- ۲۸ مردادی‌ها ۱۴۳
- قطاری به نام سینما ۱۴۹
- لگدمال گلستان به سودای چیدن میوه‌ای ۱۵۳
- دربارهٔ استاد محمدرضا شجریان ۱۵۷
- معنا و ماهیت «صنایع دستی» ۱۶۱
- زیستن میانهٔ دو تهدید ۱۶۵
- درب سلام: گورستان به مثابه تبارنامه شهرهای ما ۱۷۱
- «اندرونی» و «بیرونی» ۱۸۱
- برخورد قطار فاجعه و قطار مهربانی ۱۹۳
- همچون موش، همچون زنبور عسل ۱۹۹
- گنج پوچ ۲۰۵
- ارزش میراث روایی برای آدمی: حیوان روایت‌مند ۲۰۹

- ۲۱۳ آیین چراغ خاموشی نیست
- ۲۱۹ گور خواب‌ها
- ۲۲۵ بی‌آسمانی
- ۲۳۱ وفات «هاشمی تاریخی» و تولد «هاشمی مردم»
- ۲۳۷ آتش سوزی پلاسکو
- ۲۴۱ پیام رسانه‌های دیجیتال به شاعرانگی ایرانیان
- ۲۴۵ امریکا با روح ورود ایرانیان خود را از چه چیز محروم می‌کند؟
- ۲۵۱ جای خالی پلاسکو، جکوب، پر کنیم
- ۲۵۵ شخصیت شهر چند دارد؟
- ۲۶۱ ایران پایگاه و پناهگاه معنویت ادیان
- ۲۶۹ خسارت‌های ناشی از پیمان شکنی با طبیعت
- ۲۷۵ کارگردانی اسکار
- ۲۷۹ خوزستان یک مشکل دارد نه هزار مشکل!
- ۲۸۵ دربارهٔ مرحوم سلیم مؤذن‌زاده اردبیلی
- ۲۸۷ نوروز: وقت گره‌گشایی
- ۲۹۵ حفاظت از عطر و طعم شهرها
- ۳۰۱ معجزه کوهپایه‌های زاگرس
- ۳۱۱ هزینه کسب اعتبار مسئولین از جیب جامعه!
- ۳۱۵ سیلی دمام سیل بر صورت‌های ما
- ۳۲۱ سروسیمین
- ۳۲۷ مردم می‌دانند؛ بعضی بیشتر و بعضی کمتر!
- ۳۳۱ مدیریت اورژانس

- ۳۳۵ بی‌رودربایستی با آنانکه رأی نمی‌دهند
- ۳۳۹ خوب است جناب آقای روحانی بدانند ...
- ۳۴۷ طراحی داخلی در ایران
- ۳۵۳ حافظه جامعه ایرانی تقویت شده است
- ۳۵۷ درباب «وقت» و درباب
- ۳۶۱ نمایی

دیباچه

آغاز کارهای بزرگ اغلب بهانه‌هایی که یک بوده است، چه کسی باور می‌کند که بهانه ساخت حمامی به زیبایی و ظرافت حمام گنجعلی خان، فقط شستشوی تن باشد؛ کاری که امروز برایش مام ناچیز خانه‌هایمان را کافی می‌دانیم. چطور می‌شود پذیرفت که بهانه‌هایی چون پل خواجه، فقط عبور از رودخانه زاینده‌رود باشد؛ حاجت‌های امروز با پل‌های آهنی غول‌پیکر مرتفعش کرده‌ایم. تصورش هم سخت است که بافتن فرش ایرانی با آنهمه آب و رنگ و گره، از بهانه پیش‌پاافتاده‌ای آغار شده باشد و آن تدارک کفپوشی برای آسایش باشد؛ نیازی که امروز می‌تواند با موکت نیز پاسخ گیرد. وقتی با لذت فسنجان و یا قرمه‌سبزی را زیر دندان مزه‌مزه می‌کنیم باورمان نمی‌شود که از کشف آتش و اهلی کردن دام و دانه تا امروز که پختن این غذاها بخشی از زندگی روزمره‌مان شده است چه اندازه راه آمدیم. آنهم تنها به یک بهانه؛ گرسنگی. گرسنگی آن نیاز روزمره‌ای بود که

می‌توانست ما را نهایتاً در پخت نان متوقف کند ولی امروز چشم‌پوشیدن از
عطر و طعم این انواع غذا برایمان ناممکن است.

معمولاً تصور نادرستی از روزمرگی داریم. از خواب برخاستن، سرکار
رفتن، آشپزی کردن، نظافت و خلاصه همه کارهایی که هر روز تکرار
می‌شود را روزمرگی می‌دانیم و در مقابل امری چون سفر کردن را منافی
روزمرگی، واقعیت امر چیز دیگریست. روزمرگی بسنده کردن به ظاهر
بر امری است؛ چه اگر در هر کاری هر قدر تکراری و ساده بتوانیم از
حجاب، ظاهرش عبور کنیم و به معنا و مغز لطیف آن راه یابیم، از دام
روزمرگی رهیده ایم. و در عوض حتی در غیرتکراری‌ترین امور همچون
سفر، اگر در پس و پیشش متوقف شویم به دام روزمرگی افتاده‌ایم.
مغز امور آنجایی است که عطر و طعم و لطف آن یا بهتر است بگوییم
عصاره‌اش پنهان است. خارج از اینکه موضوعی که به آن پرداخته‌ایم
چقدر ساده و یا پیش‌پاافتاده به نظر بیاید، این نحوه مواجهه ما است که
می‌تواند از آن موضوعی گرانقدر و ماندنی بسازد.

همه ثروتی که امروز وجودشان را بسیار ساده و بدیهی می‌دانیم؛ از
بناهای زیبا، اقسام صناعات، خوردنی‌ها و پوشاکی‌ها و خلاصه همه
دستاوردهای هنری و فرهنگی اعم از ملموس و ناملموس، آغازش
بهانه‌هایی روزمره بود. لیکن بودند کسانی که در این روزمرگی توقف
نشدند و هنرمندانه توانستند یک قدم به حقیقت آن موضوع نزدیک شوند
و از این طریق چیزی خلق کنند که پاسخی نو به امری هرروزه بود.
این‌گونه که بنگریم مسجد جامع عباسی هرچند در «مسجد بودن» با
مساجد ساده نخستین همچون مسجد جامع فهرج تفاوتی ندارد ولی به

حاق و حقیقت مسجد بودن و نماز گزاردن که «معراج مؤمنین» است نزدیک‌تر است. پنداری معماران مسلمان از نخستین روزها که حقیقت نماز به آنان عرضه شد تلاش کردند قدم به قدم پرده‌ای از روی این حقیقت کنار زنند؛ از مسجد جامع اردستان و بعد مسجد نطنز و مسجد گرهرشاد تا مسجد جامع عباسی البته راهی طولانی است ولی پنداری همه در یک خط پیوسته و منبعث از تمنایی واحد بودند، آنهم ایجاد معراجگاهی برای مؤمنین. بدیهی است که این راه طولانی طی نمی‌شد اگر هنرمندان و معماران در هر مرحله متوقف می‌شدند و یا به نماز خواندن و مسجد رفتن چون امری روزمره می‌نگریستند.

برطرف کردن حجاب روزگی از عهده یک نفر یا معدودی از انسان‌ها بر نمی‌آید ولیکن همه انسان‌ها در همه تاریخ، به قدر بضاعت خود دست‌اندرکار آن بوده‌اند؛ کافی است همه ما در هر حرفه‌ای تلاش کنیم کمی تیرمان را بالاتر از قبل پرتاب کنیم. بی‌گمان از دل همین تلاشهای مستمر و جزئی در نهایت نتایج شگرف حاصل خواهد شد. در یادداشت‌های کتاب اخیر نیز تلاشمان این بود که ساده‌ترین موضوعات و یا اشخاصی که بسیار درباره‌شان گفته و شنیده شده را بهانه قرار دهیم برای اینکه پرده‌ای دیگر را کنار زنیم و قدمی به عنوان نزدیک‌تر شویم. اگر درباره سیمین دانشور نوشتیم، سخن گفتن درباره سیمین مستمسکی بود برای آنکه به موضوع زن فرهیخته ایرانی نزدیک‌تر شویم. تابلوی نقاشی صف‌سلام مستمسکی بود برای اینکه یکبار دیگر در اهمیت دوران فتح‌علی‌شاه مبتنی بر دلالت‌های این اثر تأمل کنیم. خلاصه اینکه در این کتاب تک‌تک جاها و اشخاص و چیزها و اوقات و

اتفاقات همچون چراغی شده است که به جز خودش اطرافش را روشن می‌کند. چراغی که دیگر جایش روی طاقچه است و نه زیر دست و پا. این یادداشت‌ها طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ به مناسبت‌های مختلف از مقدمه کتاب تا یادداشت‌های روزنامه و یا گرامیداشت اشخاص و ... نوشته شده است. ممنونم از خانم نازنین متین‌نیا در روزنامه اعتماد که با پیگیری و اصرارشان بهانه نوشتن تعدادی از مطالب را فراهم کردند و در آخر آنکه این کتاب نوشته نمی‌شد، اگر دوستانی کمک نمی‌کردند تا آنچه در ذهن داشت به بیان آید و مکتوب و مدون شود. سپاسگزارم از فرزندان عزیزم حرم دکر، الاز نجار نجفی و آقای مهندس بهنام ابوترابی‌ان که با ذوق و علاقه و قلم شیوا، آن برای فهم، نگارش و ویرایش این یادداشت‌ها تلاش فراوان کردند.

تیر ماه ۱۳۹۶

سید محمد بهشتی